

سپهر، محمد مهدی، ۱۳۶۲ -	موضوع:
جریان شناسی گفتمانی و عملکردی حلقه موسوم به انحراف /	موضوع:
محمد مهدی سپهر، عبدالله نوری گلجانی، عبدالله شمسی،	موضوع:
قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۶.	موضوع:
۳۴۳ ص.	موضوع:
۲۲۰۰۰۰ ریال: ۵-۴۸۴-۲۴۶-۹۶۴-۹۷۸	موضوع:
	موضوع:
۳۱۳ ص.	موضوع:
فتنه و فتنه انگیزی - ایران	موضوع:
Sedition-Iran	موضوع:
	موضوع:
Iran - Deviant behavior	موضوع:
ایران - حکومت - قرن ۱۴	موضوع:
Iran - Politics and government - 14th century	موضوع:
نوری گلجانی، عبدالله، ۱۳۶۳ -	موضوع:
شمسی، عبدالله، ۱۰۸ -	موضوع:
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) - نشرات زمزم هدایت	موضوع:
۱۳۹۶ ۲۱۵۹۱/۲۱۵۹۱ SR	موضوع:
۹۵۵/۰۸۴۰۴	موضوع:
۴۹۵۰۸۷۸	موضوع:

چهارم شناسی گفتمانی و عملکردی
حالت موسوم به انحراف

احمد مهدی سپهر
عبدالله گنجی
عبدالله موسی

نوروز
موسسه

تذکره
جریان‌شناسی گفتار و عمل دینی

حلقهٔ علمی و فرهنگی

تہیہ کنندہ: پژوهشگاہ عرفی اسلامی امام صادق (ع)
نویسندگان: محمدمہدی سپہر، عبداللہ نوری، گلجانی و عبداللہ شمس
ناظر علمی: دکتر مرتضیٰ حیرودی
ناظر نہایی: دکتر سیامک باقری
سرپرستار: حسین قاسم حمزہ
ویراستار: حسن محقق نجفی
واپایش نہایی: سید علی یار افشارپور دہشت

صفحات: ۱۲۸
ناشر: زمزم نہایت
ناظر چاپ: علی رضاوند

چاپ: زلال کوثر ○ نوبت چاپ: اول ○ تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۶
شمارگان: ۱۰۰۰ ○ قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۴۸۴-۵

آدرس ناشر: قم، خیابان دورشہر، نیش کوچہ ۳، پلاک ۸۱
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۷۳۵-۰۲۵ همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۲۸۸۷

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۴	فصل اول: مبانی فکری
۱۷	۱-۱. مبانی معیار
۱۸	۲-۱. گفتار امام موسی به انحراف
۲۰	۱-۳-۱. نگرش به توحید
۲۴	۲-۳-۱. نگرش به امامت
۲۶	۳-۲-۱. نگرش به امام زمان
۳۳	۴-۲-۱. نگرش به ولایت فقیه
۳۷	۵-۲-۱. نگرش به انسان
۴۷	۶-۲-۱. نگرش به دین
۶۵	فصل دوم: زمینه‌ها، تماد، نمود و مواضع
۶۵	۱-۲. زمینه‌ها، بسترها و فرایند شکل‌گیری
۷۱	۲-۲. نمادها و نموده‌ها
۷۳	۱-۲-۲. تبحر و نپذیرفتن انتقاد
۷۵	۲-۲-۲. استبداد به رأی و نپذیرفتن خرد جمعی
۷۶	۳-۲-۲. نخوت و غرور
۱۷	۳-۲. رهبران و اعضای برجسته
۸۱	۱-۳-۲. محمود احمدی‌نژاد
۸۲	۲-۳-۲. اسفندیار رحیم‌مشایی
۸۴	۳-۳-۲. حمیدرضا بقایی
۹۴	۴-۲. مهم‌ترین دیدگاه‌ها و مواضع

۹۴	۱-۴-۲. پایان دوره اسلام‌گرایی
۱۰۶	۲-۴-۲. مکتب ایران
۱۲۲	۳-۴-۲. باستان‌گرایی
۱۳۶	۴-۴-۲. بیداری انسانی
۱۴۳	۵-۴-۲. مهدویت و ظهور صفرا
۱۵۸	۶-۴-۲. حجاب و عفاف
۱۷۸	۷-۴-۲. غاصد یهینینستی (دوستی با مردم اسرائیل)
۱۸۵	فصل سوم: اقدامات و عملکردها
۱۸۵	۱-۳. دلایل محبوبیت
۱۸۵	۱-۱-۳. توقف روند ناباب‌پوری رب‌زدگی دولت‌های قبلی
۱۸۶	۲-۱-۳. جلوگیری از گرایش‌های سوسیالیستی در دولت
۱۸۷	۳-۱-۳. طرح شعار دولت اسلامی
۱۸۸	۴-۱-۳. طرح شعار عدالت‌محوری
۱۹۱	۲-۳. نقاط ضعف
۱۹۱	۱-۲-۳. انحراف از اصول
۱۹۶	۲-۲-۳. قانون‌گرایی
۲۱۸	۳-۲-۳. ناهمدلی و نداشتن التزام عملی با رهبری
۲۶۰	۴-۲-۳. اختلاف و درگیری با دیگر قوا
۲۶۷	۵-۲-۳. اختلاف و درگیری با نهادهای انقلابی
۲۷۸	۶-۲-۳. عزل و نصب‌های نامتعارف
۲۸۲	۷-۲-۳. ایجاد تلقی ناکارآمدی نظام در اذهان مردم
۲۸۱	۸-۲-۳. ارتباط ضعیف با روحانیت
۲۸۰	۹-۲-۳. برقراری رابطه با آمریکا و اثرپذیری از سرویس‌های اطلاعاتی معاند
۲۸۰	۱۰-۲-۳. همکاری نکردن در رفع بحران سوریه
۲۹۱	۳-۳. فعالیت گروه موسوم به انحراف در دولت یازدهم
۲۹۷	فصل چهارم: ارائه گزارش و نتایج
۳۱۳	کتابنامه

مقدمه

فَاغْتَبِمْ بِنَا أَصْحَابَ الْأُحُدِّ الْمُشْكِرِينَ مِنَ قَبْلِكُمْ مِنْ بَنِي النَّاسِ وَاللَّهُ وَوَقَاتِهِ وَثَلَاثِهِ
وَأَتَعِظُوا بِنَا صَوِيحُورَهُمْ وَمَضَارِعِ جُنُوبِهِمْ وَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكَبِيرِ كَمَا
تُسْتَعِيدُونَهُ لَوْ وَارِقِ النَّاسِ

ای مردم! از آنچه ملت‌های متکبر گذشتند، از کیفرها و سخت‌گیری‌ها، عقوبت‌ها و
ذلت و خواری فرود آمده است، و از قیام‌ها و آگهی که بر آن ره نهادند، و زمین‌هایی
که با پهلوه‌ها بر آن افتادند، پس بیایید از آثار زشتی که کبر و غرور در دل‌ها
می‌گذارد، به خدا پناه ببرید؛ چنانکه از حوادث سخت به او (خدا) پناه می‌برید!

انقلاب‌های کوچک و بزرگ، همواره در معرض آسیب‌های جدی اعم از داخلی و خارجی
هستند و خطر انحراف از مسیر و خواسته اصلی، آن‌ها را تهدید می‌کند. آسیب‌پذیری انقلاب‌ها
قاعده‌ای کلی است و هیچ انقلابی از این قاعده مستثنا نیست؛ چنانکه اسلام نیز در سال‌های
نخست، به دلیل آسیب‌پذیری در اندیشه، دچار انحراف شد. حال از انقلاب اسلام به رهبری
امام خمینی^۱ باید با چنین نگرشی که همواره در معرض آسیب‌ها، خطرات و انحرافات است،
مراقبت کرد و از گذشته عبرت گرفت.

بیش از سه دهه از عمر این انقلاب می‌گذرد و در دهه چهارم آنیم و با تمام فراز و فرودها و
توطئه‌ها، کارشکنی‌ها و جریان‌سازی‌های رخ داده، انقلاب همچنان در مسیر اصلی‌اش
به صورت بانه و پویا در حال حرکت به سوی آرمان‌هایش است. اما باید در نظر داشت که همه
انقلاب‌ها از ناحیه سه گروه در معرض خطر انحراف و انحطاط‌اند: گروه اول، دشمنان و

۱. محمدبن‌الحسین سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، دارالنهج، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۲.

مخالفان انقلاب هستند که از طرق مختلف و برنامه‌های متنوع، سعی در شکستن انقلاب و روحیه انقلابی یا دست‌کم انحراف آن از مسیر اصلی را دارند. این گروه، به‌صراحت به مخالفت با انقلاب می‌پردازند و هیچ ابایی از اعلام مقاصدشان در مقابله با انقلاب ندارند. گروه دوم، فرصت‌طلبانی‌اند که منافع خود را در ایجاد انحراف انقلاب از مسیر اصلی می‌بینند؛ ولی به‌دلایل مختلف، از مخالفت آشکار خودداری می‌ورزند و با انقلابی معرفی کردن خود، در نهادها و سازمان‌ها نفوذ می‌کنند و با گرفتن پست و مسئولیت به تأمین منافع خود و هم‌حزبی‌هایشان خود می‌پردازند. گروه سوم نیز برخی نیروهای دلسوز و طرفدار انقلاب‌اند که با گذشت زمان، بنا به دلایلی خود عامل انحراف در مسیر اصلی انقلاب می‌شوند. عده‌ای از آن‌ها دچار تحریف نظر و آرمان‌ها، عقاید و آرایشان می‌شوند و درواقع با نوعی استحاله، انقلاب را از مسیر اصلی به انحراف می‌کشانند. عده‌ای نیز ناخواسته و در گذر زمان، با برداشت‌های نادرست و ساده‌لوحانه و با این تصور که راه درست همین دیدگاه آن‌هاست و اکنون در وضعیت جدید باید به‌گونه‌ای دیگر بود، در مسیر اصلی منحرف می‌شوند.^۱

بدیهی است دشمنان و مخالفان آشکار انقلاب، چنانچه نتوانند مستقیماً به انقلاب ضربه بزنند، چشم‌امید به گروه‌های دیگر می‌بندند و با حمایت معنوی یا مالی از آن‌ها، زمینه‌سازی برای رشدشان را فراهم می‌کنند و کینه‌توزی و دشمنی‌ها علیه انقلاب را تداوم می‌بخشند. درباره انقلاب اسلامی و دهه‌های سپری‌شده، دانش‌ان این‌گونه است:

قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تلاش‌هایی برای سرنگون کردن روحانیت و دلسوزان مذهبی از صحنه سیاسی کشور صورت می‌گرفت و تبلیغات و سعی رواج داشت؛ مثلاً کسی که مؤمن، متدین و اهل رعایت امور حمیه است، اصلاً در امور سیاسی دخالت نخواهد کرد؛ تا جایی که واژه «آخوند سیاسی»، دشنام محسوب می‌شد. این موضوع، متدینان و روحانیان معظم را از ورود به عرصه سیاست دور نگاه می‌داشت. دراین‌میان، کم‌کم گروه‌های کوچک، سیاسی بین متدینان شروع به شکل‌گیری کرد؛ از آن‌ها جمعیت کوچک فدائیان اسلام بود که

۱. آیت‌الله منتظری، اگرچه از نظریه‌پردازان ولایت فقیه در دوران انقلاب اسلامی بود، با گذر زمان به‌دلیل

برداشت‌های نادرست و ساده‌لوحانه، در مقابل ولی فقیه زمان ایستاد.

۲. جمعیت فدائیان اسلام در دهه ۱۳۲۰، به‌رهبری طلبه‌ای به نام سید مجتبی نواب صفوی و با هدف برقراری

حکومت اسلامی تشکیل شد.

البته گروه بسیار کوچک، ولی مصمم و محکم در امور سیاسی به‌شمار می‌آمد. حزب ملل اسلامی^۱ نیز در اوایل دهه چهل با تعداد اندکی شکل گرفت که پس از مدتی آن‌ها هم لورفتند و متلاشی شدند. کنار این احزاب و گروه‌های کوچک و بزرگ، گروه‌های دیگری نیز بودند که در ابتدا یا در طول مسیر حرکت خود، به انحراف کشیده شدند و در صدد برآمدند تا مبارزه اسلامی را خواهی مردم ایران را منحرف کنند و از همان شروع نهضت اسلامی، حرکت روبه رشد انقلاب اسلامی را تحت تأثیر قرار دادند و در مقاطعی نیز باعث سیر نزولی در این حرکت شدند. پس از این گره‌ها پس از پیروزی انقلاب، همچنان به فعالیت خود ادامه دادند و برخی از آن‌ها هم‌چنانکه مسیر انحرافی خود را می‌پیمایند.^۲

پدیده انحراف نشاط مختص این عصر نیست، بلکه همواره در طول تاریخ به‌شیوه‌های مختلف مطرح بوده است. معمولاً افرادی که در فهم صحیح دینی ناتوان بوده یا تحت تأثیر جو روانی و تبلیغاتی حاکم، یا هر دو، مکتب فکری را کامل ندانسته یا در پی سازگاری مکتب فکری خود با مسائل روز بوده یا برخی از رده‌های دینی را با هواهای نفسانی خود ناسازگار دیده و تفسیر به رأی کرده‌اند، دچار انحراف شده‌اند. این پدیده در صدر اسلام نیز پیشینه دارد. برخی

۱. حزب ملل اسلامی، نام یکی از نخستین گروه‌های مبارز اسلامی است که در مبارزه با حکومت پهلوی، مشی مسلحانه را برگزیده بود.

حزب ملل در اسفند ۱۳۴۰، به رهبری سید محمد کاظم موسوی به‌جانب و با پیروی کسانی چون ابوالقاسم سرحدی‌زاده، محمد جواد حاجی کرمانی، سید محمد میر محمد صادق، حسین طباطبائی، عباس دوزدوزانی، محمد کاظم سیفیان و سید اصغر قریشی پایه‌گذاری شد. این حزب، به‌تدریج از دانشجویان و دانش‌آموزان تشکیل شده بود و پس بیشتر اعضای آن به ۲۵ سال نمی‌رسید. به‌جنوردی، رهبر حزب، هنگام تأسیس حزب ملل اسلامی، نوزده‌ساله بود. اعضای حزب: جوانانی متدین بودند که با انگیزه‌های دینی با به مبارزه مسلحانه یا حکومت پهلوی می‌گذاشتند (محمد اقام‌دیر شانه‌چی، دایرةالمعارف انقلاب اسلامی، تهران: سوره مهر، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۱۰۰ و ۱۰۱).

۲. سازمان مجاهدین خلق ایران را محمد حنیف‌زاد، سال ۱۳۴۴ پایه‌گذار، این سازمان در سیام خرداد ۱۳۴۰، علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی اعلام جنگ مسلحانه کرد؛ به‌طوری‌که هفده هزار ترور و به‌شهادت رساندن مردم عادی از عملکرد بی‌شرمه این سازمان است. پس از مدتی، مسعود رجوی و بنی‌صدر به فرانسه فرار کردند. سال ۱۳۶۴، منافقین به صدام‌حسین که در حال جنگ با ایران بود، پناه بردند. آن‌ها برای رژیم عراق و دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، مزدوری و خبرچینی می‌کردند. وضعیت این سازمان بعد از تحولات عراق و از بین رفتن صدام، نامناسب شده و اعضای آن در حال حاضر، از عراق متواری‌اند.

افراد، حاضر نبودند اسلام را به عنوان دینی جامع و کامل بپذیرند؛ بلکه طبق میل و هوس خود با دین روبه‌رو شدند. شاید بتوان آیات زیر را گواهی بر وجود جریان‌ها و گروه‌های التقاطی یا غیر التقاطی منحرف در صدر اسلام دانست؛ آنجا که قرآن می‌فرماید:^۱

وَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُسْلِمُونَ وَتَكْفُرُ بِنِعْمَتِ اللَّهِ وَإِيَّادُونَ أَنْ يَسْجُدُوا لِلَّهِ سَبِيلًا (نساء: ۱۵۰).

می‌گویند: به برخی ایمان داریم و برخی را نیز انکار می‌کنیم. می‌خواهند در این میان، راهی (جدید) برای خود برگزینند.

در ادامه آیه، خداوند ماهیت این گروه را که از اهل کتاب بودند و نمی‌خواستند پیامبر را به عنوان آخرین فرستاده خدا بپذیرند، روشن ساخته و به آنان وعده عذاب داده است: «أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ عَالِمُونَ». «اکنون اینان عذاباً مهیناً» (نساء: ۱۵۱)؛ آنان در حقیقت کافران و برای کافران، عذاب توهین‌آمیزی فراهم ساخته‌ام.»

جریان‌های انحرافی صدر اسلام و عصر حاضر و همچنین نظام جمهوری اسلامی، کوشیده‌اند به شیوه‌های مختلف، از اصل کامل اسلام سرباز زنند و بخشی از اسلام را بپذیرند یا با ایجاد راه سوم که آمیزه‌ای از اسلام و مکاتب و ادیان است، به این مهم دست یابند. میانی، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و رفتار این نحله‌ها و جریان‌ها، بسته به نوع گفتمان آن‌ها مختلف است. از اولین این جریان‌ها که پس از شهریور ۱۳۲۰ شکست دو جبهه‌ی میان‌کمونیستی و ملی‌گرایی پدیدار شد، آمیزه‌ای از دو مکتب سوسیالیسم و ناسیونالیسم بود که در حزب نیروی سوم خلیل ملکی^۲ تجلی یافت؛ آنان از «سوسیالیسم ایرانی» یعنی تفکرات سوسیالیستی متناسب با اوضاع ایران و «نیروی سوم» به معنای نیروهای ضد استعماری در مقابل ویلک شون و غرب سخن می‌گفتند.^۳

نهضت آزادی و نیروهای ملی - مذهبی نیز با استخدام دال‌های سه گفتمان، در مکتب اسلام، ناسیونالیسم و لیبرالیسم، گفتمانی جدید پدید آورد که با اصول و آموزه‌های اصیل سنی

۱. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، محمدی، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۲. خلیل ملکی (۱۲۸۰ در تبریز - ۱۳۴۸ در تهران)، از اعضای گروه ۵۳ نفر و از رهبران حزب توده بود که بعدها از این حزب جدا شد.

۳. خلیل ملکی، خاطرات سیاسی خلیل ملکی، با مقدمه محمدعلی همایون کاووزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲-۱۸۸.

همخوانی نداشت. نهضت آزادی پس از آنکه در ۱۳۴۰ تشکیل شد، رسماً اعلام کرد: «ما مسلمانیم و ایرانی و مصدقی.»^۱ این تعبیر، که در اسناد نهضت آزادی مضبوط است، نشان‌دهنده‌ی اثرپذیری نهضت آزادی از دو مبنای فکری اسلام و ناسیونالیسم است. تأکید مهندس بازرگان، رهبر نهضت آزادی، بر بازگشت به قرآن و تجلیل از مصدق نیز گویای همین دو میناست.^۲ مبنای لیبرال این جریان، از کوشش نهضت آزادی و ملی - مذهبی‌ها درباره‌ی تلفیق اسلام با علم جدید و پافشاری آنان بر مفاهیمی همچون آزادی و دموکراسی هرچند است. تلاش فراوان مهندس بازرگان برای تبیین علمی اسلام در آثار به‌جای‌مانده، کاملاً واضح است.^۳

انفعال و احتیاط در برابر پیشرفت‌های دنیای غرب و همچنین اعتقادداشتن به جامعیت اسلام، موجب چنین تفسیری بود. طرفداران این جریان، معتقد بودند اسلام کامل نیست و از این‌رو، کوشیدند تا با استفاده از مکاتب لیبرال و ناسیونالیستی آن را کامل کنند. این نکته نیز از پیشنهاد آنان برای عنوان نظام سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی آشکار شد که در برابر پیشنهاد «جمهوری اسلامی» از «جمهوری دموکرات اسلامی» سخن گفتند.^۴ کلمه «دموکراتیک»، زائیده‌ی همان تفکر انتقادی بود؛ البته این پیشنهاد با مخالفت شدید رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی، روبه‌رو شد. امام بر «جمهوری اسلامی» نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد پای فشرد.^۵

انحراف و التقاط در سازمان منافقین و گروهک فرقان نیز راه‌های سیاسی‌پنداشتند سوسیالیسم و مارکسیسم، به‌دلیل طرح شعارهای مساوات طلبانه و توزیع ثروت و مالکیت، به

۱. محمد شفیعی فر، درآمدی بر مبنای فکری انقلاب اسلامی، تهران، نمایندگی ولی فقیه در دستگاه‌ها، ۳۷۸ ص؛ ۱۷۷ ص.

۲. به آثار مهندس مهدی بازرگان مراجعه شود.

۳. «برای نمونه، اثبات طهارت آب کر از طریق قوانین تجربی در کتاب مظهرات در اسلام، نوعی تحلیل نوگرا و تطبیق اسلام با دموکراسی و تداوم این نوع افکار از سوی پیروان او، حاکی از تأثیر مبنای لیبرال در این جریان است» (ر.ک. مهدی بازرگان، مباحث علمی اسلامی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹).

۴. «روند برگزاری رفراندوم نظام جمهوری اسلامی»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، روزنامه کیهان، ۵۸/۱/۷۷.

۵. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۶۵.

اسلام نزدیک‌ترین، از این‌رو، دست به ترکیب اسلام با مارکسیسم و سوسیالیسم زدند. البته آن‌ها به‌صراحت از انحراف و التقاط سخن نگفتند تا متهم نشوند؛ اما در عمل، با تفسیر و تاویل آیات قرآن، قرائت دیگری از اسلام را ارائه دادند. طرف‌داران این تفکر نیز به اسلامی که مدنی علمی دارد، توجهی ویژه داشتند؛ اما خلاف نظر مهندس بازرگان، مارکسیسم را در مقام «علم انقلاب» پذیرفتند. در بنور آن‌ها، اسلام مکانیسم علمی دست‌زدن به انقلاب را نداشت. از این‌رو، به مارکسیسم روی آوردند و جنگ‌های پارتیزانی مارکسیست‌ها را الگوی خویش برگزیدند. با توجه به تحولات فکری آن‌ها بود که از «اسلام انقلابی» و نه انقلاب اسلامی سخن به میان آمد. انقلاب اسلامی، راهبرد جریان‌ی اصیل بود که می‌خواست با استفاده از انقلاب به حکومت اسلامی بنده آورد و احکام اسلامی را در کشور اجرایی کند. مشی انقلابی‌گری، ابزاری بود برای رسیدن به هدف (اسلام)؛ اما جریان التقاطی از میان ابعاد مختلف و متنوع اسلام، تنها وجه انقلابی بودند. را آن‌هم با تفسیری مارکسیستی برجسته می‌کرد. آنان با استفاده ابزاری از اسلام، می‌خواستند به قدرت برسند و در قدرت باقی بمانند؛ حال آنکه به اسلام تعبد نداشتند و قرائت استبدادی کرده بودند.^۱ آن‌ها همچنین در اصول جهان‌بینی-ایندولوژی و نوع نظام سیاسی از مارکسیسم اثر پذیرفته بودند. ضعف‌های بنیادین آن‌ها عبارت بود از: شناخت سطحی از اسلام، نداشتن ارتباط با روحانیت اصیل اسلامی، تعجیل در رسیدن به اهداف سیاسی با هر روشی و تمسک به هر راهی، و غلبه احساسات و هیجانات بر عقل.^۲

اکبر گودرزی^۳ که گروه فرقان را در ۱۳۵۷ بنیان گذاشت، مظهر برداشت سطحی از اسلام و در نتیجه، انحراف عده‌ای از جوانان بود. مطالعات مذهبی و دینی، همچنین مطالعات مارکسیستی او کاملاً سطحی بود. پس از شکل‌گیری افکار التقاطی از اسلام و مارکسیسم در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵، او در ۱۳۵۶ کلاس‌هایی را با موضوع تفسیر قرآن برپا کرد. هم‌اکنون افکار در مناطق مختلف تهران همچون نازی‌آباد، سنسبیل، قلپک و جوادیه برقرار گردیده و نیروهایی را برای خود فراهم آورد. چهارچوب افکار او تفکر اسلام‌منه‌ای روحانیت بود. وی

۱. غلامرضا نجفی، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران، رسا، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲. همان.

۳. متوفی ۱۳۳۸ در روستای دوزان، لنگرود.

روحانیت را که از آن به «آخوندیسم» تعبیر می‌کرد، از اساس باطل می‌دانست. او به زعم خود می‌خواست اسلام را از دست روحانیت آزاد کند؛^۱ هر چند هدف اصلی آن‌ها به دست‌گیری قدرت سیاسی بود.

رهبر اصلی گروه، کم‌کم به سمت ترور یا حذف فیزیکی می‌رفت. براین اساس، پس از برری انقلاب اسلامی نیز به ترور رهبران انقلاب دست زدند. نخست سپهبد محمدولی قزنی،^۲ پس از آن شهیدان مطهری و مقتد، مهدی عراقی و پیروش حسام و سپهبد محمدعلی قاضی طباطبائی را نیز ترور کردند. در این میان، ترور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی و مرحوم ربانی تروری ناگهانند. اعضای این گروه و رهبر آن، پس از این ترورها دستگیر شدند. اکبر گودرزی در ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ دستگیر و در سوم خرداد ۱۳۵۹ تیرباران شد.^۳ دوری از روحانیت اصیل، ضابطه پیش‌فرضی، هوس رسیدن به قدرت و اثرپذیری عمیق از مارکسیسم از مشکلات بنیادی این گروه بود.

پس از فروپاشی گروه‌ها و سازمان‌های معاند و انحرافی در اوایل دهه شصت، ظهور گفتمان سازندگی و پدیده تکنوکرات‌های مسلمان، نقطه عطفی در پیریزی گفتمان‌های جدید و بعضاً انحرافی بود. انحراف آن‌ها استخدام مفاهیم و نشانه‌های لیبرال‌دموکراسی و اقتصاد سرمایه‌داری و مفصل‌بندی این دال‌های متضاد با یکدیگر بود. به برون‌داد آن، انقراض و غرب‌گرایی بود. بروز پدیده دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز که به ظهور دوباره گروه‌ها و جریان‌های انحرافی، با گفتمان‌ها انحرافی و انتقاطی انجامید، ادامه همین روند محسوب می‌شد. گفتمان دوم خرداد که بعدها به اصلاحات تعبیر نام داد، از همان ابتدا حامل نشانه‌هایی از انحراف بود. این گفتمان ابتدا مرازی با خط امام و رهبری تشکیل شد؛ اما به مرور زمان زاویه گرفت و در بسیاری از زمینه‌های فکری، با خط امام و رهبری به معارضه پرداخت. در دوره حاکمیت فکری و سیاسی این جریان، موجبات فتنه دینی و تاریخی اسلام همچون کلام «وحيانی» و ائمه معصومین^۴ وجود حضرت

۱. رسول جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۱، ص ۳۲۱-۳۲۶.

۲. نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در سوم اردیبهشت ۵۸، به ضرب گلوله در خانه‌اش ترور شد و به شهادت رسید.

۳. رسول جعفریان، همان، ص ۳۲۱-۳۲۶.

۴. عبدالکریم سروش، روزنامه صبح امروز، ۷۸/۳/۱۹ و یازجبعالی مردوعی، رسالت، ۷۹/۷/۱۶.

پیامبر^۱ و نسبی انگاشتن دین،^۲ و همچنین واقعه عاشورا^۳ و حتی بحث واقعه کربلا به چالش کشیده شد.^۴

پیروزی گفتمان عدالت، نوید تحقق شعارهای اصیل انقلاب اسلامی و گفتمان معیار (امام خمینی و رهبر معظم انقلاب) را می‌داد؛ ولی این حرکت پس از چندی، به‌ویژه در دولت دهم، از گفتمان اصیل انقلاب منحرف شد.

با این وصف، خطر انحراف همیشه در کمین دولت‌ها، گروه‌ها و افراد بوده و ضربات سنگین و بعضاً بران‌ناپذیری از این طریق بر انقلاب تحمیل شده است و این نگرانی، همواره برای دولت‌های انقلاب اسلامی وجود دارد که افراد و گروه‌های منحرف به پست‌های کلیدی دست نیابند. دولت دهم نیز از این قاعده مستثنا نیست.

رهبر انقلاب، همواره به خطر انحراف در دولت‌ها و گروه‌ها اشراف داشته و درباره آن‌ها تذکر داده است. برای مثال، پس از دوم خرداد، به‌ویژه پس از وقایع هجده تیر ۱۳۷۸، مقام معظم رهبری به گفتمان‌سازی ویژه‌ای برای بازگشت انقلاب به مسیر اصلی خود پرداختند و همان سال را سال امام خمینی نام نهادند. هدف اصلی آن احیای گفتمان امام^۵ بود. بعد از آن، ایشان گفتمان خودی و غیرخودی را طرح کردند و پس از آن نیز گفتمان‌های دیگر؛ تا اینکه به گفتمان اصول‌گرایی و انتخابات سال ۸۴ رسید. باتوجه به تجارب، رهبر انقلاب در اولین دیدارشان با هیئت دولت در شهریور ۱۳۸۴، درباره خطر شکن‌گیری «انحراف» در دولت هشدارهای لازم را دادند:

خیلی از ماها نیت‌هایمان خوب است و با نیت خوب وارد می‌شویم؛ اما نمی‌توانیم این نیت را نگه داریم. این نیت در اتنای راه به موانعی برخورد می‌کند، سایش پیدا می‌کند، کم‌رنگ و ضعیف می‌شود و احیاناً یک جاذبه قوی مریعی دل‌با که جایگاه نیت، دل است - به‌سوی خودش جذب می‌کند، یک‌وقت نگاه می‌کند می‌بینید اصلاً نیت رفت، نیت یک چیز دیگر شده. آن‌وقت راه انسان عاصی

۱. عبدالکریم سروش، ماهنامه کین، بهمن ۷۷ و با هاشم آغاچری، ساختمان مرکزی دفتر تحکیم، ۸۷/۱۲۵.

۲. عبدالکریم سروش، ماهنامه کین، مهر و آذر ۷۸.

۳. اکبر گنجی، صبح امروز، ۷۸/۲/۲۳.

۴. روزنامه نشاط، ۷۸/۳/۱۲.

می‌شود ... اگر می‌بینید بعضی‌ها «رَبَّنَا اللَّهُ» را گفتند؛ اما امروز به جای کعبه روبه بت‌کده دارند؛ شعار خوب را دادند، اما امروز ۱۸۰ درجه در جهت عکس آن شعار حرکت می‌کنند، عاملش این است؛ نتوانستند نگه دارند، چرا نتوانستند؟ چون در انانای راه، جاذبه‌ها پیدا می‌شود.^۱

یک سال از این سخنان گذشت و بیشتر هیئت دولت و همچنین طرفداران پرشور، هنوز به عمق مطالب معظم‌له پی نبرده بودند و این سخن را حمل بر ارشادات اخلاقی می‌کردند که در دیار بعثت، رهبری عدالتی جدی را بیان فرمودند. ایشان در شهریور ۱۳۸۵ و در سال دوم خدمت دولت سمن در شمردن شاخص‌های اصول‌گرایی، دولت احمدی‌نژاد را اصول‌گرا خواندند و دربارهٔ دولت از آن تلقی در جامعه، «هشدار جدی» دادند:

این دولت عنوان دولت «اصول‌گرا» شناخته شده و رفتار و تلاشی هم که تا امروز نشان داده و آنچه در عمل و قولش منعکس شده، همین اصول‌گرایی را نشان می‌دهد ... اگر تمام جامعه را در نظر بگیریم، اگر تمام مردم دربارۀ مجموعه‌مان تصور می‌کنند، آن را تحقق بخشیم، «خسارت بزرگ» خواهد بود و به این جریان و جهت‌گیری، حتماً ضربه وارد خواهد آمد. آن وقت امیرالمؤمنین فرمود: «وَلَقَدْ مَآ شِءٌ أَدْبَرْتُمْ أَقْبَلَ» موجی بر برگشت و رفت؛ دیگر خینی انسان این‌طرف نمی‌آید و برنمی‌گردد، خون دل‌ها باید خورد و زحمات‌ها باید کشید تا اینکه باز برای اقبال و توجهی که امروز وجود دارد، زمینه فراهم شود.^۲

بنابراین، شناخت گروهی که در دولت نهم و دهم شکل گرفت و حاشیه‌های فراوانی بر جای گذاشت، با تکیه بر معیارها و ملاک‌های گفتمان امام خمینیه و رهبر معظم انقلاب که همان اسلام ناب محمدی است، تجربه‌ای گران‌سنگ در اختیار رهبران

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، دسترسی در: <http://www.leader.ir/fa/speech/2785>، ۸ شهریور ۱۳۸۵.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، دسترسی در: <http://www.leader.ir/fa/speech/2793>، ۶ شهریور ۱۳۸۵.

انقلاب اعم از اتحاد مردم و مسئولان قرار می‌دهد تا انقلاب دچار زیان‌های سنگین نشود. از این‌رو، در این فصل، ابتدا گفتمان معیار که همان گفتمان امام و رهبری است، مطرح می‌شود، سپس حول این گفتمان، مبانی، دیدگاه‌ها... و عملکردهای این گروه وصف و تبیین می‌گردد.